



The geopolitical competition of the governments of Iran, Qatar, Russia and Turkmenistan to access the global energy markets

Afshin Karami*¹

Abstract

In order to understand the feasibility and economic viability of Iranian gas export projects, the neighboring exporters and their policies and strategies need to be taken into account. These are Russia, Iran, Qatar, Turkmenistan, Saudi Arabia and the United States. While Iran understands its own tremendous resource potential and sees itself as a major emerging natural gas power, its market integration could be hampered by vested interests from incumbent market suppliers and their main political, economic and geopolitical stakeholders. Assuming that Iran overcomes its various internal problems and could realize its vast natural gas potential without limitations and constraints, it still faces competition from other suppliers. Iran's main competitors in the regional gas market would be Russia, Qatar, Turkmenistan and the US.

Keywords: State, Gas, Market, Iran, Geopolitics.

1. Assistant Professor scientific, Faculty of leartture, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran.
A.karami@scu.ac.ir





رقابت ژئوپلیتیکی دولت‌های ایران، قطر، روسیه و ترکمنستان برای دستیابی به بازارهای جهانی انرژی

افشین کریمی^{۱*}

چکیده

به منظور امکان‌سنجی کارایی اقتصادی پروژه‌های صادرات گاز ایران می‌بایست سیاست‌ها و استراتژی‌های کشورهای همسایه را مورد بررسی قرارداد. بازارهای بین‌منطقه‌ای گاز با یک ساختار بازاری تقریباً انحصاری ناشی از توزیع منابع گاز متعارف در چند کشور مشخص می‌شود: این کشورها شامل روسیه، ایران، قطر، ترکمنستان، عربستان سعودی و ایالات متحده می‌شوند. درحالی‌که ایران از منابع عظیم بالقوه خودآگاه است و خود را به‌عنوان یک قدرت اصلی در عرصه گاز طبیعی می‌بیند، بازار آن می‌تواند توسط تأمین‌کنندگان فعلی بازار و ذی‌نفعان اصلی ژئوپلیتیکی، اقتصادی و سیاسی مختل شود. با فرض اینکه ایران بر مشکلات داخلی خود غلبه کرده و تحریم‌ها را خنثی کند و بتواند از پتانسیل گسترده گاز طبیعی خود بدون محدودیت و قیدوشرط استفاده کند، دولت ایران هنوز با رقابت از جانب دیگر عرضه‌کنندگان روبرو است. رقابت اصلی در بازار منطقه‌ای گاز عبارت‌اند از روسیه، قطر، ترکمنستان و ایالات متحده. این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی بر ابعاد رقابت ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی دستیابی به بازارهای جهانی گاز بین ایران، قطر، روسیه و ترکمنستان تمرکز می‌کند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در رقابت ژئوپلیتیکی بین ایران، قطر، روسیه و ترکمنستان برای دسترسی به بازارهای جهانی گاز برقرار است.

کلیدواژه‌ها: دولت، گاز، بازار، ایران، ژئوپلیتیک

۱. نویسنده مسئول: استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

انسان‌ها حداقل از چند هزار سال پیش از تراوش گازهای طبیعی قابل اشتعال از زمین آگاه بودند. اما تا اوایل قرن نوزدهم طول کشید تا گاز به طور گسترده تبدیل به یک منبع سوختی شود (Castaneda, 1999: 11). با افزایش جمعیت جهان و محدود بودن منابع انرژی، کشورهای دنیا با مشکل انرژی روبرو هستند. انرژی در تمام بخش‌های جامعه رسوخ کرده است و جنبه‌های مختلف آن از زندگی خانوادگی گرفته تا مسائل جهانی و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است. در این میان گاز طبیعی با ویژگی‌های مثبت زیست‌محیطی، آلاینده‌گی کمتر و سازگاری بیشتر با محیط‌زیست، از جمله انرژی‌هایی است که در دهه‌های آتی از بالاترین رشد تقاضا در میان سایر حامل‌های انرژی برخوردار خواهد بود (حشمت‌زاده و غلامی، ۱۳۸۷: ۷۱). گاز طبیعی در بازارهای جهانی انرژی به سرعت اهمیت فوق‌العاده‌ای را به دست آورده است. احتراق کارآمد و نسبتاً پاک، گاز را به اولین گزینه برای بسیاری از استفاده‌ها به‌ویژه در تولید برق تبدیل کرده است. به نظر می‌رسد گاز طبیعی در دهه‌های اخیر از میان سایر انواع انرژی با مصرف جهانی فزاینده که تا سال ۲۰۳۰ به دوبرابر می‌رسد، سریع‌ترین رشد را به خود اختصاص داده باشد (EIA, 2004). اکنون گاز با پیشی گرفتن از زغال‌سنگ تبدیل به دومین منبع مهم انرژی جهانی شده است؛ تا سال ۲۰۵۰ گاز می‌تواند از نفت نیز پیشی بگیرد و مقام اول را از آن خود کند. افزایش‌های اخیر که در قیمت گاز رخ داده نتوانسته است به طور بنیادی صرفه اقتصادی این آینده‌گازی را به چالش بکشد. مقادیر فراوانی گاز برای برآوردن چشم‌اندازهای گازکشی جهانی وجود دارد. گسترده‌ترین اندازه‌گیری‌ها مجموع گاز در دسترس را حدود ۳۵۰ تریلیون فوت مکعب برآورد می‌کند، این میزان با نرخ مصرف امروزی می‌تواند تقریباً برای ۱۳۰ سال کافی باشد (USGS, 2000). با این حال، موانع جغرافیایی، سیاسی و مالی برای توسعه گاز به این سادگی برداشته نخواهد شد. بخش نسبتاً زیادی از غنی‌ترین منابع گازی در مناطقی متمرکز شده که از ایالات متحده، اروپای غربی، چین، برزیل، هندوستان و دیگر نواحی که انتظار می‌رود رشد تقاضا در آن بیشتر باشد دور است. مسلم است که موانع تکنولوژیکی که امکان انتقال حجم‌های زیادی از گاز را در فواصل

طولانی با مشکل روبرو می‌ساخت اکنون در حال برافتادن است. در حال حاضر یک چهارم مصرف گاز جهان حاصل تجارت بین‌المللی است. خطوط لوله ۷۸ درصد این تجارت را از آن خود نموده است؛ تانکرهای اقیانوس‌پیما بقیه گاز طبیعی مایع (LNG) را انتقال می‌دهند. با این حال ساخت خطوط لوله و زیرساخت‌های گاز مایع بی‌نهایت پرهزینه است و نیازمند افق‌های زمانی بلندمدت و زمینه سیاسی و اقتصادی قابل‌پیش‌بینی برای سرمایه‌گذارانی است که به دنبال برگشت پول و سرمایه خود هستند. ارزیابی جامع آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) از آینده سرمایه‌گذاری در انرژی برآورد کرده که ۳ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری نیاز است تا تقاضای روبه‌رشد برای گاز طبیعی را از اکنون تا سال ۲۰۳۰ برآورده کند (IEA, 2003). نقش روبه‌رشد تجارت گاز فرامرزی توجه سیاسی را بر امنیت عرضه گاز متمرکز خواهد کرد. در گذشته، «امنیت انرژی» تقریباً به طور انحصاری از لحاظ بازارهای نفت مورد بحث بود؛ گذار به گاز دولت‌ها و مصرف‌کنندگان را وادار خواهد کرد تا پرسش‌های مشابهی را درباره عرضه گاز که به طور فزاینده حیاتی می‌شود مطرح کنند. روابط در حال ظهور بین عرضه‌کنندگان عمده گاز و کشورهای مصرف‌کننده نهایی ملاحظات ژئوپلیتیکی جدیدی را در بالاترین سطح سیاست اقتصادی و امنیتی به ارمغان می‌آورد (Barnes and others, 2006:4). نگاهی گذرا به تصویر ژئوپلیتیکی جهان می‌زانی را که قدرت سیاسی در فرایندی سریع در حال انتقال به دست کشورهای صاحب ذخایر نفت و گاز است، نشان می‌دهد. با تغییر و تحولات به وجود آمده در نظام بین‌الملل، همواره مفهوم ژئوپلیتیک نیز دچار دگرگونی شده است. گاهی دستیابی به خشکی، گاهی تسلط بر دریاها و آزاد و زمانی دیگر تسلط بر منابع انرژی و معدنی جوهره مفهوم ژئوپلیتیک را شکل داده است (صدقی، ۱۳۸۰: ۳). در عصر حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک، اقتصاد نقشی برجسته‌تر از هر زمان دیگر یافته و ژئوپلیتیک انرژی فصل نوینی را در روابط بین‌الملل گشوده است. به نظر می‌رسد منابع انرژی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیکی در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی میان دولت‌ها و نیز انتقال از مکان‌ها و فضاها و بدون انرژی یا نیازمند انرژی، کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی و نیز تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فراوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، جملگی دارای

ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی مهمی تبدیل نموده است. زیرا انرژی و تمام ابعاد و جنبه‌های آن ملتقای سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست می‌باشد (مختاری‌هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۹۶). دسترسی به منابع انرژی از تولید به بازارهای مصرف و مکان‌های فاقد انرژی، موقعیت جغرافیایی تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، مکان‌های واسط و ترانزیت‌کننده، مسیر انتقال خطوط لوله از مکان‌های جغرافیایی و چالش‌های دایمی ناشی از انرژی در ابعاد مختلف بین دولت‌ها در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی باعث شده تا انرژی به یک موضوع مهم ژئوپلیتیکی تبدیل و مفهوم جدیدی را به نام ژئوپلیتیک انرژی رقم بزند؛ بنابراین با توجه به رویدادهای اخیر سیاسی و اقتصادی در جهان، ژئوپلیتیک انرژی نقش راهبردی‌تر از همیشه در صحنه معادلات جهانی ایفا خواهد کرد (عزتی و گل‌افروز، ۱۳۹۲: ۴۲).

هدف کشورهای صنعتی و در حال توسعه در دستیابی به منابع انرژی (نفت و گاز)، ضمن تعقیب نیازهای خود بیشتر در چارچوب نگاه ژئوپلیتیکی آنها به انرژی قابل تحلیل است. امروزه در تحلیل ژئوپلیتیک کلاسیک رقابت قدرت‌های بزرگ برای سلطه بر مهم‌ترین منابع انرژی و نواحی قدرت، یعنی تسلط بر دنیا تلقی می‌شود. مسابقه قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر منابع نفت و گاز حوزه‌های ژئوپلیتیک خزر، آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و به‌ویژه خلیج فارس، ضمن تلاش برای تأمین منابع اقتصادی به گونه‌ای در چارچوب تلاش برای حوزه‌های استراتژیک خود می‌باشد. حضور بازیگران منطقه‌ای و جهانی و مسابقه آنها بر سر منابع انرژی این حوزه‌ها و چگونگی انتقال آن به دنیای خارج، نگاه بازیگران منطقه به‌ویژه ایران، روسیه و قطر را به بررسی علل واقعی تلاش‌های گسترده سیاسی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ اقتصادی آنها در این منطقه جلب کرده است. ایران با بهره‌گیری از نقش تاریخی خود در منطقه و نیز نقشه‌سازی خود در افغانستان و عراق، آسیای مرکزی، قفقاز و حوزه خزر و همچنین در خاورمیانه و جهان اسلام در صدد برجسته کردن جایگاه خود نسبت به سایر کشورهای منطقه است. روسیه نیز با داشتن جایگاه خوب و توانایی‌های زیاد در عرصه نفت و گاز، برای گُند نمودن روند اقدامات کشورهای غربی و شکستن انحصار آنها در زمینه انرژی و افزایش روابط اقتصادی خود با کشورهای منطقه و حضور و نفوذ خود در صنایع نفت و گاز آنها برای ارتقای توانایی‌ها و ایجاد ظرفیت‌ها و مسیرهای جدید در صادرات و ترانزیت

نفت و گاز اقداماتی انجام می‌دهد (سیمبر و گل‌افروز، ۱۳۸۸: ۷۷). قطر نیز در این مثلث ژئوپلیتیک انرژی نقشی پررنگ و حائز اهمیت دارد. حضور این کشور در بازار گاز و روابط متمایل به غرب آن بُعد دیگری از این رقابت ژئوپلیتیکی برای دستیابی و حفظ بازارهای گاز را هویدا می‌کند. ترکمنستان، دیگر کشوری که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود با در اختیار داشتن ۲/۸ میلیارد فوت مکعب ذخایر اثبات شده گاز طبیعی و ذخایر ناشناخته معادل ۴/۵ میلیارد فوت مکعب، طی سال‌های پس از استقلال تلاش زیادی را برای سرمایه‌گذاری در زمینه اکتشاف و بهره‌برداری از میادین گازی خود به‌ویژه در حوزه‌های خزری قره‌گل دیزیز، دیاربکر و چلگن انجام داده است. اکنون حدود ۶۰ درصد در آمد ارزی ترکمنستان از محل صادرات گاز طبیعی تأمین می‌شود (پاک جامی، ۱۳۸۷: ۸۱).

از این رو ارزیابی کلی از همکاری‌ها و رقابت‌های ایران، روسیه، قطر و ترکمنستان در عرصه جهانی انرژی و برنامه‌های در دست اقدام آنها با توجه به حجم ذخایر فعلی و بالقوه گاز و تولیدشان در سطح جهان، می‌تواند در تأمین اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی آنها مؤثر باشد. به همین جهت این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی بر ابعاد رقابت ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی دستیابی به بازارهای جهانی گاز بین دولت‌های ایران، روسیه، قطر و ترکمنستان تمرکز می‌کند.

مبانی نظری پژوهش

یکی از مهم‌ترین موضوعات در رابطه با گاز تجمع منابع و در نتیجه تولید و عرضه است. ذخایر اروپا به سرعت در حال تهی شدن است در حالی که بهره‌برداری از گاز در آمریکای شمالی به تدریج دشوارتر می‌شود، بدین خاطر که اکثر منابع یا غیرمتعارف هستند و یا فراساحلی. با وجود فعالیت شدید در آفریقا، آمریکای جنوبی و شرق دور، منابع بالقوه و بالفعل این نواحی نمی‌تواند رشد بلندمدت تقاضای گاز را برآورده کند. این امر به خاطر این است که منابع گاز فقط در سه کشور متمرکز شده‌اند: فدراسیون روسیه، ایران و قطر کنترل ۵۵/۸ درصد از منابع جهان را در اختیار دارند (Gerling and others, 2006: 22). تمام این کشورها می‌توانند گاز اروپا، آمریکای

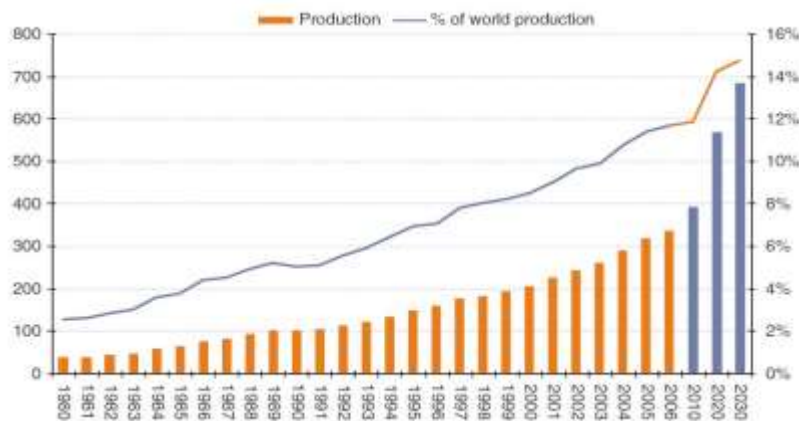
شمالی و آسیا را تأمین کنند که این امر آنها را به پیشگامان بدون رقیب بازار جهانی آینده صنعت گاز مبدل می‌کند. این کشورها منابع خود را به لحاظ سیاسی از طریق شرکت‌های دولتی (گازپروم در روسیه، قطر پترولیوم در قطر و شرکت ملی نفت ایران در ایران)، درآمدهای روبه‌رشد حاصل از افزایش قیمت‌ها و لزوم مشارکت کمتر شرکت‌های اروپایی و آمریکایی (به‌ویژه در روسیه) مدیریت کرده‌اند. بدون شک معاملات گازی بزرگ آینده در روسیه یا خاورمیانه به انجام خواهد رسید و سیاست در این میان نقش عمده‌ای ایفا خواهد کرد. ذخایر اثبات‌شده جهان به طور پیوسته از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ در حال رشد بوده است. در دهه ۱۹۸۰ رشد ذخایر با ۵۰,۰۰۰ میلیارد فوت مکعب بسیار قوی بود. در دهه ۱۹۹۰ این رشد اندکی آهسته بود و ۲۰,۰۰۰ میلیارد فوت مکعب بیشتر شد. در سال ۲۰۰۶ ذخایر اثبات‌شده جهان بالغ بر ۱۸۱,۴۶۰ میلیارد فوت مکعب برآورد شد. افزایش ذخایر از دهه ۱۹۸۰ به بعد تحت تأثیر دو عامل سرمایه‌گذاری زیاد در فناوری‌های اکتشاف و تولید، این صنعت را قادر کرده تا از میدان‌های گازی قبلاً غیرقابل دسترسی به‌ویژه در «آب‌های عمیق و بسیار عمیق» بهره‌برداری کند. پیشرفت‌ها در فناوری اکتشاف همچنین به معنی آن است که میدان‌های گازی را می‌توان با دقت بیشتری شناسایی نمود.

فعالیت در حال رشد اکتشاف در منابع گازی قبلاً تنها بر نفت موجود در مناطق خاصی از قبیله خاورمیانه و به‌طور کلی کشورهای در حال توسعه‌ای همچون نیجریه متمرکز شده بود. تقسیم‌بندی ذخایر اثبات‌شده در مقیاس منطقه‌ای به‌روشنی آشکار می‌کند که مهم‌ترین منابع گازی دنیا در دو منطقه متمرکز شده است: اتحاد شوروی سابق و خاورمیانه. این دو منطقه ۷۲ درصد ذخایر گاز جهان را دارا هستند. سهم اتحاد شوروی سابق از سال ۱۹۹۴ رو به افول رفت و از سال ۲۰۰۱ روند یکنواختی را به خود گرفته است. در مقابل، ذخایر خاورمیانه همچنان تا سال ۲۰۰۱ سیر صعودی داشته است. ۲۸ درصد باقیمانده در میان پنج منطقه تقسیم شده است: کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی، آفریقا و آسیا پاسیفیک (Gilardoni, 2008:12). در خاورمیانه دسترسی و چیرگی بر منابع و مسیر انتقال گاز خلیج فارس اساس بسیاری از مناسبات ژئواکونومیک منطقه را شکل داده است. در نتیجه کشمکش‌های واحدهای سیاسی اثرگذار در مناسبات جهانی در این منطقه قابل توجه است (کاویانی‌راد، ۱۳۸۵: ۳۱).



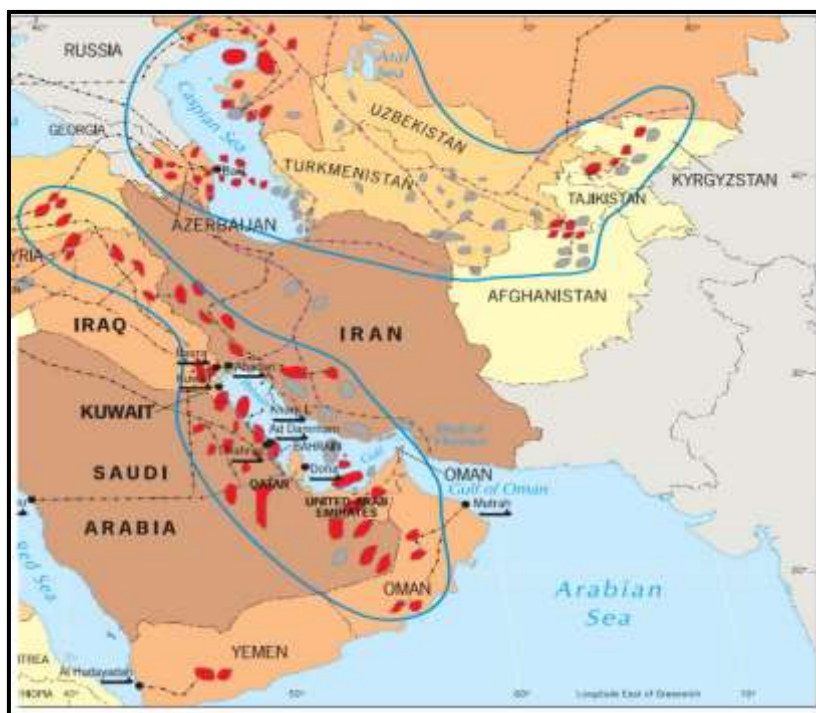
ذخایر اثبات شده جهان در مقیاس منطقه‌ای بین سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۸۰؛ BP Statistical Review, 2007

خاورمیانه که قبلاً بر تجارت نفت تمرکز کرده بود اکنون سرمایه‌گذاری زیادی در گاز طبیعی انجام داده است. قطر کشوری است که با افزایش تقاضای جهانی برای گاز مایع بخش عمده‌ای از تولید خود را صادر نموده و در ۱۰ سال اخیر رشد تولید این کشور ۳۲۰ درصد افزایش داشته است. قطر اولین صادرکننده گاز به هندوستان و کره جنوبی و نیز چهارمین عرضه‌کننده گاز مایع طبیعی به ژاپن می‌باشد. ایران پس از استفاده از گاز طبیعی جهت ارتقای بهره‌وری میدان‌های نفتی، اکنون سرمایه‌گذاری بسیار زیادی برای برآوردن مصرف فزاینده داخلی و صادرات از طریق خطوط لوله انجام داده است. این سرمایه‌گذاری‌ها بر میدان‌های بزرگ پارس جنوبی متمرکز است (Gilardoni, 2008:26).



تولید خاورمیانه از سال ۲۰۳۰-۱۹۸۰؛ منبع: BP Statistical Review, 2007. EIA estimates

دریای خزر نیز دارای ظرفیت قابل توجهی گاز طبیعی است. ذخایر گاز طبیعی در این منطقه در حدود ۲۳۲ میلیارد فوت مکعب برآورد شده است که قابل قیاس با ذخایر عربستان سعودی است. تولید گاز طبیعی در سال ۲۰۰۵ بیش از ۵ میلیارد فوت مکعب بوده است که قابل مقایسه با جمع تولیدات کشورهای عربستان سعودی، آسیای مرکزی و مکزیک است. تولیدات گاز طبیعی در سال‌های استقرار شوروی بیش از این مقدار بوده است که به دنبال سقوط این کشور و تأسیس کشورهای تازه استقلال یافته، میزان تولیدات گاز کاهش داشته است. ترکمنستان بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز منطقه با تولید ۲ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۰۵، دوینجم تولیدات گاز این منطقه را بر عهده داشته است (رام، ۱۳۸۷: ۱۳۳). در شکل شماره (۱) میدان‌های گازی و نفتی منطقه خلیج فارس، خزر و آسیای مرکزی را می‌توان مشاهده نمود.



شکل شماره (۱): میدان‌های گازی و نفتی خاورمیانه و آسیای مرکزی؛ منبع: Blij and Muller, 2010

پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در مورد ژئوپلیتیک انرژی انجام شده است که در اینجا به برخی از مهم‌ترین این مطالعات اشاره می‌شود:

یاری (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان ژئوپلیتیک انرژی و بازسازی قدرت روسیه، به این نتیجه رسیده است که روسیه با بهره‌گیری از ظرفیت ژئوپلیتیکی خود در تولید و ترانزیت انرژی در سطح وسیعی از شرق آسیا، آمریکا تا اروپا و حوزه مدیترانه و استفاده مناسب از ژئوپلیتیک انرژی به‌ویژه گاز طبیعی توانسته است به بازسازی قدرت خود پس از جنگ سرد اقدام کند.

مسعودی پور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان ژئوپلیتیک انرژی و سیاست خارجی ایران، به بررسی تأثیرپذیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک از یک سو و چگونگی بهره‌مندی و به‌کارگیری آن مؤلفه‌ها برای پویایی و کارآمدی بیشتر سیاست خارجی پرداخته‌اند.

مهدیان و فخری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی غرب، به بررسی جایگاه ژئوپلیتیک انرژی ایران در امنیت انرژی کشورهای اروپایی پرداخته‌اند و زمینه‌ها و موانع همکاری‌های انرژی طرفین را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

عزتی و گل‌افروز (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان راهبرد قدرت هوشمند ایران و نقش ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) در پیشبرد آن، به این نتیجه رسیده‌اند که ایران با ارائه استراتژی مناسب در قدرت هوشمند به‌ویژه با تأکید بر بازیگری بیشتر در ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) به دلیل اهمیت آن در دنیای امروز و دارا بودن رتبه دوم این ذخایر در جهان می‌تواند با تحمیل رفتار و استدلال خود بر دیگر کشورها، قدرت خود را افزایش دهد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بخش زیادی از تحقیقات در حوزه ژئوپلیتیک انرژی در مطالعات موردی خلاصه شده‌اند و تعداد کمی از پژوهش‌ها بر مقایسه تحلیلی چند کشور با همدیگر متمرکز شده‌اند؛ لذا در این پژوهش تلاش می‌شود این خلأ برطرف شود.

یافته‌های پژوهش

ژئوپلیتیک بازارهای گاز

به منظور امکان‌سنجی کارایی اقتصادی پروژه‌های صادرات گاز ایران می‌بایست سیاست‌ها و استراتژی‌های کشورهای همسایه را مورد بررسی قرارداد. بازارهای بین‌منطقه‌ای گاز با یک ساختار بازاری تقریباً انحصاری ناشی از توزیع منابع گاز متعارف در چند کشور مشخص می‌شود: این کشورها شامل روسیه، ایران، قطر، ترکمنستان، عربستان سعودی و ایالات متحده می‌شوند. بیشتر این کشورها دارای شرکت‌هایی دولتی هستند که از طریق دولت ملی در مورد زمان‌بندی و شرایطی که تحت آن میزان فروش و استخراج نفت معین می‌شود تصمیم‌گیری می‌کنند. از نقطه‌نظر استراتژیک مهم است به یاد داشته باشید که یک رویکرد استراتژی ملی توسط این کشورها در مقابل رویکرد بازار به طور مستقیم تمامیت بازار ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Ochssee & Timothy, 2010, 107). این شرکت‌های ملی انرژی پیرو رانت هستند و هیچ علاقه‌ای ندارند که سهم‌های بازار را به رقبای جدیدی همچون ایران واگذار کنند. این همان اهمیت خاص اثر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بر تمامیت بازار ایران از چشم‌انداز روابط بین‌الملل است. در حالی که ایران از منابع عظیم بالقوه خود آگاه است و خود را به عنوان یک قدرت اصلی در حال ظهور گاز طبیعی می‌بیند، تمامیت بازار آن می‌تواند توسط تأمین‌کنندگان فعلی بازار و ذی‌نفعان اصلی ژئوپلیتیکی، اقتصادی و سیاسی مختل شود. با فرض اینکه ایران بر مشکلات داخلی خود غلبه کرده و تحریم‌های اعمالی را خنثی سازد و بتواند از پتانسیل گاز طبیعی گسترده خود بدون محدودیت و قید و شرط استفاده کند، آنگاه این کشور هنوز با رقابت از جانب دیگر عرضه‌کنندگان روبرو است. رقبای اصلی در بازار منطقه‌ای گاز عبارت‌اند از روسیه، قطر، ترکمنستان و ایالات متحده (Kuhn, 2014, 319). گاز طبیعی به دلیل دشواری‌های انتقال و نوع خاص تجارت عموماً در بازارهای انحصاری منطقه‌ای دادوستد می‌گردد. به طوری که عرضه‌کنندگان محدودی امکان دسترسی به یک بازار را دارند و از طرف دیگر نیز در خود بازارها معمولاً توزیع‌کنندگان محدودی گاز طبیعی را به دست مصرف‌کنندگان نهایی آن اعم از بخش‌های خانگی، تجاری و یا نیروگاهی می‌رسانند. امروزه در بسیاری از این بازارها، ساختارهای قدیمی در حال تغییر می‌باشد و

در برخی از بازارها، تجارت گاز طبیعی به صورت فعالیتی رقابتی نظیر تجارت سایر کالاهای اقتصادی و مواد اولیه در حال جریان می‌باشد (ادیبی، ۱۳۸۴: ۴). در ادامه وضعیت سه رقیب عمده یعنی روسیه، و قطر و ترکمنستان را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

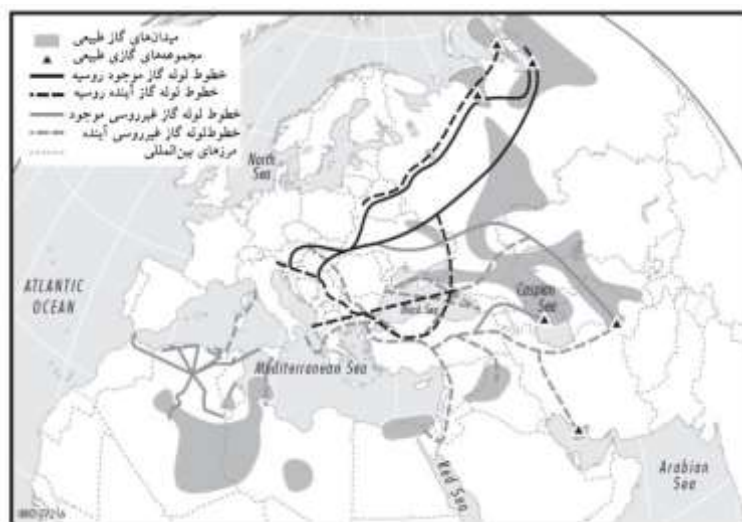
روسیه

روسیه صاحب بزرگ‌ترین ذخیره گازی متعارف در جهان و تا پیش از جنگ اوکراین یکی از مهم‌ترین عرضه‌کنندگان به بازار اروپایی به شمار می‌رفت. در کنار ایران به عنوان دومین کشور از لحاظ دارا بودن ذخایر گازی در جهان و موقعیت جغرافیایی - استراتژیک آن بین بازارهای اروپایی و آسیایی، به طور طبیعی پتانسیل رقابت بزرگ بین ایران و روسیه برای سهم‌های بازار در این مناطق وجود دارد. با این حال، روسیه در حال حاضر از زیرساخت‌های خطوط لوله گسترده‌ای برخوردار است و گاز خود را به کشورهای اروپایی و آسیایی صادر می‌کند. از سوی دیگر، ایران (به خاطر تحریم‌ها و شرایط داخلی) در حال حاضر تنها ترکیه، ارمنستان، آذربایجان و به زودی پاکستان را با حجم اندکی از گاز طبیعی تأمین می‌کند. روسیه همچنین به دنبال تنوع بخشیدن به بازارهای صادرات خود است تا امنیت تقاضا را افزایش دهد. دسترسی محدود روسیه به اقیانوس‌ها به همراه تغییر بازارهای گاز و نوسانات بازار نیز حفظ یا حتی توسعه سهم‌های بازار را برای مقامات روسی دشوار نموده است (Kuhn, 2014: 320). با این حال، با توجه به چشم‌انداز انرژی جهانی آژانس انرژی بین‌المللی، هنوز انتظار می‌رود تولید گاز طبیعی روسیه با افزایش ۳۵ درصدی از ۶۳۷ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۱۰ به ۸۶۰ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۳۵ برسد و تولید نفت آن نیز تنها با اندکی کاهش از ۱۰/۵ میلیون بشکه در روز به ۹/۷ میلیون بشکه در روز برسد (IEA, 2011). با توجه به افزایش قیمت حامل‌های انرژی در چند سال اخیر گاز به اهرمی قدرتمند برای توسعه نفوذ اقتصادی روسیه و نیز ابزاری مؤثر برای رشد اقتصادی این کشور تبدیل شده است. اقتصاد این کشور تا حد زیادی به صادرات انرژی وابسته است و بیش از ۶۰ درصد از درآمدهای ارزی خود را از صادرات انرژی کسب می‌کند. همچنین ۳۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های خارجی روسیه نیز در این بخش جذب می‌شود. در این بین شرکت گازپروم روسیه نیز به واسطه داشتن ذخایر گازی و در اختیار داشتن بزرگ‌ترین شبکه انتقال گاز در جهان از جایگاه ویژه‌ای

هم در بین شرکت‌های گازی و هم در داخل روسیه برخوردار است (بهمن، ۱۳۹۰: ۲)؛ بنابراین به نظر می‌رسد پیش‌بینی افزایش تقاضا برای سوخت‌های فسیلی چشم‌انداز مثبتی را برای بخش انرژی روسیه تضمین کند و در حقیقت مزایا و منافع قابل توجهی را نصیب روسیه کند، هر چند در عین حال چالش‌هایی جدی را نیز ایجاد می‌کند. از آنجاکه مقادیر زیادی از تولید روسیه در قالب پروژه‌های میدانی جدید از اورال و سیبری غربی به سیبری شرقی منتقل شده است، طبق برآوردهای آژانس بین‌المللی انرژی چین به یکی از تأمین‌کنندگان بزرگ درآمد حاصل از انرژی روسیه تبدیل شده است و سهم آن تا سال ۲۰۳۰ از ۲ درصد به ۲۰ درصد افزایش پیدا می‌کند. در مقابل سهم اروپا به دلیل تحریم‌های اعمالی بر روسیه از ۶۱ درصد در سال ۲۰۱۰ به پایین‌ترین میزان خود در چند دهه اخیر رسیده است (IEA, 2011). از لحاظ منطقی این امر پیامدهای استراتژیکی را برای روسیه و بازار اصلی اروپایی آن به همراه دارد؛ زیرا روسیه قادر است به بازارهای صادراتی خود تنوع ببخشد و در نتیجه تا حدی بین اروپا و آسیا رقابت ایجاد کند. روابط روسیه و چین به یکی از شریان‌های اصلی تجارت بین‌المللی گاز مبدل شده است، هر چند این روابط در سطوح صادرات گاز روسیه به سمت غرب و اروپا نیست. با این حال امکان شکل‌گیری این رقابت تا حد زیادی به اطمینان از تقاضا، قیمت موجود در بازارهای مربوطه و فرصت‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه بستگی خواهد داشت. در نتیجه رقابت مستقیم از جانب ایران در بازار اصلی روسیه یعنی بازار گاز اروپایی، قطعاً به هیچ‌وجه مورد علاقه روسیه نیست. در این زمینه دو گزینه همکاری و تقابل پیش روی روسیه قرار دارد. تقابل می‌تواند شکل مستقیم بر سر منافع و سهم‌های بازار به خود بگیرد و یا اینکه به طور غیرمستقیم از طریق کانال‌های دیگر همچون سیاست خارجی شکل غیرمستقیم داشته باشد. در طول دهه گذشته، یک معامله ضمنی مهم بین ایران و روسیه شکل گرفته است. در این معامله ایران از یک سو به مهم‌ترین شریک روسیه در خاورمیانه و از سوی دیگر به عنوان بازاری برای صنعت دفاعی روسیه تبدیل شده است. از طرف دیگر ایران حضور کم‌رنگی در آسیای مرکزی داشته و از ایجاد چالش در این منطقه به ضرر روسیه خودداری کرده است. این رابطه مهم باعث شده تا مسکو حمایت دیپلماتیک بایسته‌ای را از ایران به عمل آورد، به‌ویژه زمانی که برنامه هسته‌ای ایران در انواعی از سازمان‌های بین‌المللی مشغول رسیدگی

است (Takeyh, 2006: 78-79). افزون بر این اگر انرژی و اهمیت اقتصادی آن را احتساب کنیم، روشن می‌شود که منافع روسیه در گرو منزوی نگاه داشتن ایران و در نتیجه خارج قرار دادن آن از بازارهای خود قرار دارد (Inman, 2010: 6). این امر را می‌توان به خوبی در رقابت دهه ۱۹۹۰ بین ایران و روسیه بر سر بازار گاز طبیعی ترکیه مشاهده نمود. این مثال بسیار خوبی است که نحوه رقابت‌ها بر سر سهم‌های بازار را در آینده به تصویر می‌کشد. با این حال اگر همکاری و منافع متقابل بین ایران و روسیه وجود داشته باشد، همچنین این احتمال وجود دارد که هر دو طرف بتوانند از همکاری سود ببرند. این قضیه در اوایل دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و هنگام قرارداد مبادله گاز ایران - روسیه به اروپا صدق می‌کرد. مثال دیگر مربوط به انجمن کشورهای صادرکننده گاز (GECF) است که در آن تمام کشورهای عضو تلاش می‌کنند تا شکل یک کارتل عرضه کننده بگیرند. ایران به احتمال زیاد در آینده نزدیک از رقابت مستقیم با روسیه بر سر سهم‌های بازار خودداری خواهد کرد. این شرایط ایران را قادر خواهد ساخت تا حجم زیادی از گاز را صادر کند؛ اما برنامه‌های ایران برای ساخت نیروگاه‌های گاز طبیعی مایع را محدود می‌کند و رقابت مستقیم و نیز رقابت بر سر سهم‌های بازار با روسیه می‌تواند پدید بیاید. در مقابل تا آن زمان ایران تلاش خواهد کرد بر عرضه گاز به مناطقی تمرکز کند که در رقابت مستقیم با دیگر بازیگران نباشد، مناطقی از قبیل پاکستان، هند و در نهایت چین (Kuhn, 2014: 322). در واقع صنعت گاز ایران جهت احیاء جریان گاز در ۳۱۰۰ کیلومتر خطوط انتقال گاز فشارقوی، ۱۶,۵۰۰ کیلومتر شبکه گاز شهری و روستایی برای گازرسانی به ۷۷۳ کانون شهری، ۸۰۵۴ روستا با حدود ۱۲ میلیون مشترک خانگی و ۲۴۰۰۰ واحد صنفی، تزریق گاز به میدان‌های نفتی خوزستان و گازرسانی به ۹۲۰ جایگاه گاز CNG، به منظور تأمین سوخت خودروهای گازسوز زیر سخت‌ترین فشارها قرار دارد؛ بنابراین با وجود آنکه گاز طبیعی از سوی دولت «محور توسعه ملی» شمرده شده، تا آینده‌ای نه چندان نزدیک، فرصت چشمگیری از سوی ایران برای حضور استراتژیک در بازارها و رقابت با سایر صادرکنندگان گاز برای تسخیر بازارهای جهانی وجود ندارد. بهترین شاهد آن رویدادهای گازی ایران در سال ۲۰۰۷ بود، در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۶، ایران جریان گاز صادراتی به ترکیه را به دلیل افزایش سرمای هوا کاهش داد. ترکیه بی‌درنگ این گسستگی در تأمین گاز را با افزایش خرید از

گازپروم پوشش داد و در این میان اعتبار ایران برای انجام قراردادهايش مورد تردید قرار گرفت (کریمی پور، ۱۳۸۹: ۱۲). مصداق دیگر این وضعیت بحران کمبود گاز بخش خانگی در فصل زمستان و فشار بر صنایع برای عدم استفاده از گاز می‌باشد.



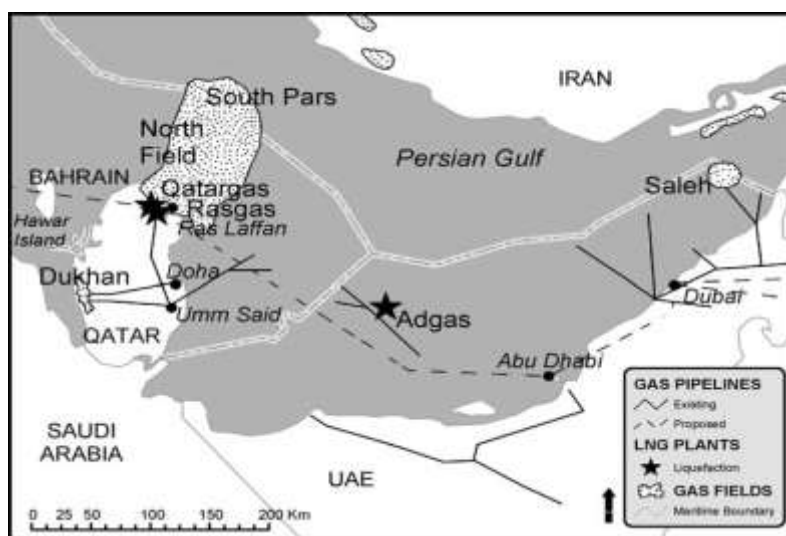
شکل شماره (۲): تسلط روسیه بر خطوط انتقال گاز

منبع: The Future of the Natural Gas Market in Southeast Europe, World Bank, 2010

با وجود منابع گسترده و اطمینان رسمی روسیه برای همکاری قابل اعتماد، مسکو قبلاً ثابت کرده که خواهان افزایش قیمت‌های گاز و نفت است و به شیوه‌های ضد بازار آزاد مبادرت کرده و از انرژی به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی استفاده نموده است. کنترل کریدورهای انرژی از دریای خزر تا دریای سیاه و فراتر از آن هدف عملیات نظامی روسیه علیه گرجستان در اوت ۲۰۰۸ و نیز بحران کنونی اوکراین و استفاده روسیه از ابزار انرژی به‌عنوان اهرم فشار مصداق‌های بارز این خط‌مشی روسیه در عرصه انرژی است. این سیاست به‌وضوح با حوادث دیگر شامل تأخیرها در عرضه گاز به اوکراین، آذربایجان، بلاروس، گرجستان و کشورهای بالتیک به اثبات رسیده است. بسیاری استدلال می‌کنند رفتار بین‌المللی مسکو در زمینه انرژی شرکای آن را مردد نگاه‌داشته و ناظران تردید دارند روسیه تبدیل به یک بازیگر مسئول شود. به‌عنوان بخشی از استراتژی روسیه،

این کشور خواهان حفظ کنترل خود بر مسیرهای حمل و نقل است و با هر پروژه‌ای که بتواند با عرضه انرژی جایگزین اروپا را تأمین کند مخالفت می‌ورزد. تقاضای اروپا بسیار بالاست و پیش-بینی می‌شود این تقاضا همچنان رشد بیشتری داشته باشد. در سال ۲۰۰۶ اتحادیه اروپا در مجموع ۱۴/۹ میلیون بشکه نفت و ۴۷۶/۴ میلیارد فوت مکعب گاز مصرف کرده است و روسیه کشورهای اروپایی را با حدود ۱۳۲ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی از طریق خطوط لوله تأمین می‌کند (Luft&Korin, 2009:91). اما این وضعیت پس از جنگ روسیه - اوکراین کاملاً دچار تغییر شده و روسیه به شدت دنبال بازارهای جدید و دوری جستن از تحریم‌های کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا در حوزه انرژی است. ورود روسیه به بازارهای جدید و بالقوه و نیز عرضه ارزان‌تر منابع گاز می‌تواند رقابت‌های موجود در بازارهای نوظهور را شدیدتر از قبل به پیش ببرد.

قطر



شکل شماره (۳): زیرساخت‌های گازی قطر؛ منبع: Victor&etal, 2006

دولت قطر با برداشت بسیار زیاد از مخازن مشترک با ایران، با پشت سر گذاشتن اندونزی در سال ۲۰۰۹ به بزرگ‌ترین تولید و صادرکننده گاز مایع طبیعی تبدیل شد. این در حالی است که در

این سال میزان تولید ایران نزدیک به صفر بود. قطر تا پایان سال ۲۰۱۰ شمار ناوگان ویژه حمل گاز مایع خود را به ۹۰ فروند نسبت به ۱۷۰ فروند در کل جهان می‌رساند. این در حالی است که شمار شناورهای ویژه حمل گاز مایع ایران باز هم نزدیک به صفر است. با وجود داشتن چنین توانایی‌هایی، رقابت ایران در بازار گاز طبیعی مایع با قطر و حتی رقیب تازه واردی به نام ترینیداد و توباگو آسان نیست (کریمی پور، ۱۳۸۹: ۱۷).

در حالی که روسیه بزرگ‌ترین عرضه‌کننده خط لوله‌ای گاز در جهان است، قطر از دهه ۲۰۰۰ به عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کننده گاز طبیعی مایع (LNG) ظهور کرده است. قطر از میانه دهه ۱۹۹۰ به عنوان ابرقدرت جدید گاز طبیعی در خاورمیانه ظهور کرده است. پیش از میانه دهه ۱۹۹۰، قطر در زمینه منابع خود در تقلا بود و برای انجمن بین‌المللی انرژی (IEF) چندان محل توجه نبود. اما از دهه ۲۰۰۰ از طریق تولید انبوه و پیشرفت‌های تکنولوژیکی قطر با مدیریت سرمایه‌گذاری بر روی ذخایر گسترده خود به بزرگ‌ترین عرضه‌کننده گاز مایع طبیعی در جهان تبدیل شده است. قطر همانند ایران در حالت مطلوب بین بازارهای گاز اروپایی و آسیایی قرار گرفته است. این موقعیت ژئوپلیتیکی ارزشمند در تلفیق با دسترسی آن به دریا، کمک می‌کند تا قطر منابع خود را از طریق کشتی‌های گاز مایع طبیعی به بازارهای واقع در حوزه اطلس و آسیا-پاسفیک صادر کند و از این راه بهره‌مند شود. منابع گازی قطر عمدتاً در سازند میدان شمال واقع شده است که با ایران مشترک است. میدان شمال قطر در ایران با عنوان میدان پارس جنوبی شناخته می‌شود. میدان شمال بخش عمده‌ای از ذخایر گازی قطر را تشکیل می‌دهد. توسعه سریع منابع گاز طبیعی قطر در ده سال گذشته نشان می‌دهد که ایران می‌تواند به سرعت بر روی منابع خود سرمایه‌گذاری کرده و چالش‌های بین‌المللی و موانع داخلی و موانع سرمایه‌گذاری را از پیش رو بردارد (Kuhn, 2014: 327).

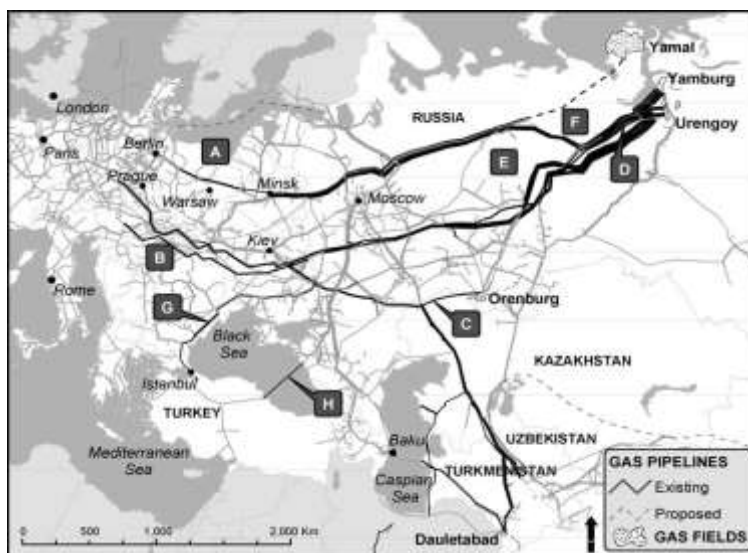
ترکمنستان

حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی که زمانی در حیطه اتحاد شوروی و «بازی بزرگ» دوران امپریالیستی بود اکنون جای خود را به چشم‌انداز انرژی قرن بیست و یکم داده است. یکی از مهم‌ترین عواملی که بر ژئوپلیتیک نفت و گاز این منطقه تأثیر داشته، این است که کشورهای

منطقه از نظر اقتصادی مکمل هم نیستند و در سطح پایین توسعه اقتصادی قرار دارند. برای مثال به دلیل ضعف مالی کشورهای تازه استقلال یافته در خرید گاز ترکمنستان، بهبود وضع اقتصادی این کشور منوط به صادرات گاز به حوزه جنوبی آن یعنی ایران، هندوستان یا به غرب (ترکیه و اروپا) شده است. از این رو مسئله استخراج و انتقال نفت و گاز از دو مسئله کلان ژئوپلیتیک منطقه و بازیگرانی که موجب رقابت جهت تسلط بر منابع منطقه شده، تأثیر پذیرفته است (رام، ۱۳۸۷: ۱۳۶). ترکمنستان یک کشور عمده گازی است و کمترین منابع نفتی را در بین سه کشور مذکور دارد و بخش گاز موتور محرک اقتصادی این کشور است و بیش از نیمی از درآمد بودجه را درآمدهای ناشی از صادرات گاز تشکیل می‌دهد. ۶۰ درصد از کل صادرات این کشور را صادرات گاز، ۱۵ درصد را صادرات نفت خام و ۱۴ درصد را نیز صادرات فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌دهد که در مجموع رقمی حدود ۹۰ درصد می‌باشد. حدود ۷۵ درصد سرمایه‌گذاری صورت گرفته در اقتصاد این کشور در بخش نفت گاز بوده است (دمیرچی لو، ۱۳۸۴، ۱۵۵).

ترکمنستان بزرگ‌ترین تولیدکننده و دارنده منابع گاز منطقه خزر است. برای ایران که از ترکمنستان گاز وارد می‌کند، این کشور کمتر به عنوان تهدیدی برای بلندپروازی‌های صادرات ایران به شمار می‌رود. این امر به خاطر این است که ترکمنستان یک کشور محصور در خشکی است و با گزینه‌های اندکی روبروست: صادرات به روسیه، صادرات به چین از طریق قزاقستان، یا با خطوط لوله جدید از طریق ایران یا افغانستان به پاکستان و هند. در نتیجه به‌غیر از بازار چین که به‌اندازه کافی برای جذب تمام حجم‌های گازی که بتوان صادر کرد بزرگ است، هیچ رقابت واقعی بر سر بازارها بین ایران و ترکمنستان وجود ندارد. بر این اساس بالاترین منفعت سیاسی در پرهیز از رقابت با بازیگرانی همچون قطر و روسیه ناشی می‌شود. با این حال ایالات متحده نیز نفع قابل ملاحظه‌ای در محدود کردن گزینه‌های صدور گاز ایران به بازارهای جهانی عایدش می‌شود (Cuhn, 2014: 328). ترکمنستان هنوز مشتاق است که سرمایه‌گذاری خارجی را در بخش‌های گاز و نفت خود جذب کند. این کشور دارای ۲/۹ میلیارد فوت مکعب ذخایر گاز اثبات شده می‌باشد (BP, 2004). در سال‌های اول پس از فروپاشی اتحاد شوروی نمایندگان بسیاری از شرکت‌های غربی راهی ترکمنستان شدند تا امکانات و منابع گازی و مسیرهای حمل و نقل جدید را

امکان‌سنجی کنند. دو مسیر جدید مقرون‌به‌صرفه قلمداد شد. مسیر نخست گاز ترکمنستان را از طریق ایران و سپس ترکیه به بازارهای اروپایی می‌رساند. مسیر دوم گاز ترکمنستان را از طریق افغانستان به بازارهای هند و پاکستان می‌رساند. احتمال سوم که در صورت وجود تکنولوژی خطوط لوله جدید و در درازمدت مدنظر قرار دارد گاز ترکمنستان را از طریق آسیای مرکزی به بنادر شرقی چین و پس از آن احتمالاً به ژاپن می‌رساند. افزون بر این، حمایت قوی دولت ایالات متحده از مسیر چهارم وجود دارد که گاز ترکمنستان را از طریق دریای خزر و از طریق باکو و تفلیس به موازات خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جیهان به بازارهای غربی می‌رساند (Victor&etal,2006:203).



شکل شماره (۴): مسیرهای خطوط لوله پیشنهادی و موجود صدور گاز ترکمنستان؛ منبع: Victor and others,2006

در پایان، تنها یک خط لوله جدید بین‌المللی در دهه ۱۹۹۰ ساخته شد که گاز ترکمنستان را از کرپدزه ۱ و ساحل خزری ترکمنستان به کردکوی در شمال ایران انتقال می‌داد. پروژه‌های خط بزرگ‌تر ترکمنستان-ایران و ماورای افغانستان متوقف ماند. حداقل در حال حاضر ترکمنستان مجبور است بخش عمده‌ای از تولید خود را از طریق روسیه به بازار برساند، تحت شرایطی که

1. Korpedzhe

بیشتر به نفع روسیه است تا ترکمنستان (EIU 2003). ملاحظات ژئوپلیتیکی نقش زیادی در به تعویق افتادن دو خط لوله جدید و اصلی ترکمنستان از طریق ایران و افغانستان داشته است. برنامه‌ها برای خط لوله بزرگ‌تر ترکمنستان-ایران-ترکیه تا حد زیادی به خاطر احتمال بعید تأمین منابع مالی بین‌المللی برای پروژه‌ها در داخل ایران به دلیل تحریم‌های ایالات متحده بر علیه این کشور از هم پاشیده است. رقابت با گازپروم، غول بزرگ گازی روسیه، ترکمنستان را با شرایط بسیار دشوار و سختی روبرو نموده است. همه خطوط لوله که ارتباط بین منطقه خزر و بازار جهانی را برقرار می‌کند، یا تحت انحصار شرکت گازپروم قرار دارد و یا به طریقی از کشور روسیه می‌گذرد که در نتیجه شرکت گاز ترکمن همواره برای صادرات گاز خود به بازارهای جهانی تحت فشار بوده است و می‌توان گفت شرکت گاز ترکمنستان انگیزه کافی برای افزایش تولیدات گاز طبیعی خود نداشته است (رام، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بنا به دلایل اقتصادی روسیه، قطر و ترکمنستان کاملاً از ممانعت از تبدیل ایران به یک صادرکننده جهانی گاز طبیعی ذی‌نفع می‌شوند. زیرساخت‌های خط لوله‌ای عظیم روسیه که قبلاً بازارهای اروپا را به تسخیر خود درآورده بود اکنون در روابط با اروپا و حتی ایالات متحده تبدیل به اهرمی شده که می‌تواند منافع ژئوپلیتیکی بسیار زیادی را عاید روسیه کند. در واقع می‌تواند گفت نبض حیات اقتصادی اروپا در دستان روسیه قرار داشت و در بحران اوکراین به‌خوبی می‌توان نقش انرژی را در عرصه سیاست بین‌الملل بیشتر از هر زمانی لمس کرد. با پافشاری کشورهای اروپایی جهت قطع نیازهای بخش انرژی خود به روسیه شاهد وضعیت کاملاً جدیدی در عرصه بازارهای گاز هستیم. از این رو روسیه به‌هیچ‌وجه نمی‌خواهد و نمی‌گذارد در این «بازی انرژی» قافیه را به رقیبانی همچون ایران و ترکمنستان ببازد. از سویی رقابت با روسیه نیز در حال حاضر برای ایران و ترکمنستان اندکی دشوار است. اما مناسبات بین‌المللی در دوره‌های مختلف شاهد فراز و فرودهایی است که بازیگران با آگاهی دقیق از این فراز و فرودها می‌توانند معادله بازی را تغییر داده و از آن به نفع خود بهره‌برداری کنند. بحران کنونی اوکراین ثابت کرده که روسیه هیچ‌گاه شریک قابل‌اعتمادی برای اروپا نبوده و نیست و کشورهای اروپایی به‌خوبی از این امر واقف

هستند؛ اما به دلیل نبود جایگزین مناسبی که بتواند بازارهای گسترده آنها را تأمین کند چاره‌ای نداشتند جز آنکه نیاز خود به واردات انرژی از روسیه را به صورت تدریجی بکاهند و دنبال کنند تا زمانی که به مرحله قطع کامل آن برسند. ایران و ترکمنستان در این برهه از زمان با انتخاب استراتژی‌های مناسب می‌توانند حداکثر بهره‌برداری را از وضعیت موجود بنمایند؛ اما در این راه با دشواری‌هایی روبرو هستند. نخست اینکه ترکمنستان در خشکی محصور است و به‌عنوان بازیگری مستقل نمی‌تواند ایفای نقش کند و ایران نیز با سیل تحریم‌هایی روبروست که بخش انرژی آن را هدف گرفته‌اند و عملاً تأمین نیازهای داخلی ایران در حوزه گاز با مشکل و بحران روبرو است. دوم اینکه پروژه‌های گازی زمان‌بر هستند و برای بازدهی مدت‌زمان زیادی وقت می‌برند. از سوی دیگر هر زمان که ایران در صدد بوده تا گشایشی در راه مسیرهای انتقال انرژی خود ایجاد کند در عرصه بین‌المللی با چالش‌هایی روبرو شده که تمام معادلات این کشور را بر هم زده است و فشار ایالات متحده بر کشورهای طرف قرارداد با ایران هم یک عامل محدودکننده مهم به‌شمار می‌رود. در این میان وضعیت قطر با بقیه بازیگران این «بازی انرژی» متفاوت است. با دور بودن از هیاوی شمال، قطر در جنوب کاملاً یکه‌تاز است و تحریم‌های ایران نیز تضمین می‌کند که تا چند سال آینده رقیبی برای قطر عرض‌اندام نخواهد کرد. در مجموع دلایل مستثنی کردن ایران از چشم‌انداز انرژی توسط رقبای آن را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- تأثیر منفی بر ترتیبات جهانی موجود هزینه‌های تولید گاز؛
- رقابت مستقیم در حجم و تولید با ایران، کشوری که می‌تواند زیر قیمت تقریباً تمام کشورهای دیگر تولید کند و قیمت‌های آنها را بشکند؛
- رقابت برای سهم‌های بازار در بازارهای مصرف‌کننده اصلی؛
- سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی دارای هزینه بالا و ریسک بالا از لحاظ اقتصادی مقرون‌به‌صرفه نیست؛

فهرست منابع

Articles

- Adibi, Siamak (2005) Structural changes in the European and American gas market, Energy Economics Reviews, Year 1, Number 2, Winter. [In Persian]
- Bahman, Shoaib (2011) Gazprom and the dream of conquering global energy markets, Central Asia and Caucasus Quarterly, No. 75, Fall. [In Persian]
- Demirchi Lo, Mojtabi (2005), Factors affecting the provision of energy security in the Caspian Sea, Proceedings of the 12th International Conference on Central Asia and the Caucasus "Futuristic Energy Systems", Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publications, Fall. [In Persian]
- Ezzati, Ezzatullah, Gol-Afroz, Mohammad (2013) Iran's smart power strategy and the role of geopolitics of energy (oil and gas) in its advancement, Human Settlements Planning Studies Journal, 24, Fall. [In Persian]
- Heshmatzadeh, Mohammad Bagher, Gholami, Bahadur (2008) Persian Gulf Gas; Security opportunities and threats, review of energy economy issues, first year, number 2. [In Persian]
- Karimipour, Yadullah (2010) Geopolitical evaluation of Iran's natural gas markets, Applied Research Quarterly of Geographical Sciences, Volume 16, Number 19, Winter. [In Persian]
- Kaviani-Rad, Murad (2016) Geopolitics of Iran's gas transfer to India; Opportunities and Threats, Strategic Studies Quarterly, 9th year, 1st issue, spring. [In Persian]
- Luft, Gal, Korin, Anne (2009) Energy Security Challenges for the 21st Century, Contemporary Military, Strategic and Security Issues.
- Masoudipour, Hossein, Karimifard, Hossein, Yousefi, Bahram, Akbarzadeh, Fereydoun (2018) Geopolitics of Iran's Energy and Foreign Policy, Danesh Political Science Journal, Year 15, Number 2, Autumn and Winter. [In Persian]
- Mehdian, Hossein, Fakhri, Siros (2012) Iran's energy geopolitics and Western energy security, Human Geography Research Quarterly, 82 series. [In Persian]
- Mokhtari-Hashi, Hossein, Nosrati, Hamidreza (2010) Energy security and geoenergy situation of Iran, Geopolitics Quarterly, 6th year, 2nd issue, summer. [In Persian]
- Pak-jami, Morteza (2008) The role of Caspian energy resources in ensuring the world's energy security and the challenges of transferring them to global markets, Central Asia and Caucasus Quarterly, No. 62, Summer. [In Persian]
- Ram, Mansoureh (2008) Caspian oil and gas development prospects and Iran's interests, Central Asia and Caucasus Quarterly, No. 61, Spring. [In Persian]
- Sedki, Abolfazl (2001) The geopolitical effects of Caspian oil and gas pipelines on Iran's national security, Defense Policy Journal, No. 34, Spring. [In Persian]
- Simbar, Reza, Gol Afroz, Mohammad (2009) Geopolitical opportunities of Iran and Russia in the field of energy geopolitics; Current situation and prospects, Strategy Quarterly, No. 19, Fall. [In Persian]
- Yari, Ehsan (2015) Geopolitics of energy and restoration of power in Russia, Geography Quarterly, serial 44, spring. [In Persian]

Books

- Blij, H.J, Muller, Peter (2010) Geography, Realms, Regions and Concepts, John Wiley&Sons, Inc.
- BP (2007) Statistical review of world energy.

- Castaneda, Christopher J. (1999). *Invisible Fuel: Manufactured and Natural Gas in America, 1800–2000*. New York: Twayne.
- EIA (2004). "International energy outlook," Washington, DC: US Energy Information Administration, <http://www.eia.doe.gov>.
- EIA (Energy Information Administration), 2004. "World Natural Gas Data." U.S. Department of Energy, Washington, DC. <http://www.eia.doe.gov/iea/ng.html>.
- Gilardoni, Andrea (2008) *The World Market for Natural Gas: Implication for Europe*, Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
- IEA (2003). *World Energy Investment Outlook (WEIO) 2003*. Paris: International Energy Agency.
- IEA (2011), *World Energy Outlook*.
- Inman, Jonathan (2010), "How Russia Benefits from Iran's Dispute with the United States", AHS Capstone Project, Paper 7.
- Klare, Michael (2008) *Rising Powers, Shrinking Planet*, Oneworld Publications, England.
- Ochssee, Boon von, Timothy, Alexander (2010) *The Dynamic of Natural Gas Supply Coordination in a New World Cooperation or Competition between Gas Exporting Countries from a Russian Perspective*, University Library Groningen.
- P. Gerling and others, "Reserves, Resources and Availability of Energy Resources 2005", FIGNR, Hannover, 2006
- Takeyh, Ray (2006), *Hidden Iran: Paradox and Power in the Islamic Republic*. New York: Times
- USGS (2000). "World petroleum assessment." Washington, DC: United States Geological Survey.
- Victor, David, Jaffe, Amy, Hayes, Mark (2006) *Natural Gas and Geopolitics from 1970 to 2040*, Cambridge University Press, New York.
- Websites**
- World Bank (2010) *The Future of the Natural Gas Market in Southeast Europe*, International Bank for Reconstruction and Development.

